



نسبت اعتدال‌گرایی با اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی / چشم‌انداز آتی اعتدال‌گرایی وابسته به چیست

حمیدرضا جلائی پور استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران گفت: اعتدال‌گرایی یک مشی سیاسی است که در برابر افراط‌گرایی قرار می‌گیرد.

حمیدرضا جلائی پور استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران گفت: اعتدال‌گرایی یک مشی سیاسی است که در برابر افراط‌گرایی قرار می‌گیرد. یک مشی سیاسی است که با اصلاح‌طلبی همپوشانی دارد در برابر محافظه‌کاری بازگشتی قرار می‌گیرد و با محافظه‌کاری روشن‌اندیشانه یا عقلایی همپوشانی دارد. دکتر حمیدرضا جلائی پور در مورد اینکه آیا اعتدال‌گرایی شرایط تبدیل به یک گفتمان را دارد و اگر چنین است در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی اعم از داخلی و خارجی عناصر و دقایق آن چگونه تعریف می‌شود به خبرنگار مهر گفت: اعتدال و اعتدال‌گرایی از منظر منابع علوم انسانی خصوصاً در اندیشه سیاسی یک گفتمان نیست و یک مکتب یا پارادایم آکادمیک هم نیست. اعتدال یک مشی سیاسی است، آنوقت در این مشی کسی یا گروهی یا دولتی را اعتدال‌گرا می‌گویند که مهمترین ویژگی آن این است که آن فرد یا گروه به دنبال مناظره و دعوا و تخاصم نیست. در اندیشه سیاسی اعتدال و اعتدال‌گرایی پنج ویژگی دارد.

وی افزود: اول اینکه یک فرد یا یک گروه یا دولت اعتدال‌گرا در عرصه سیاسی بیشتر آرزویش این است که بین نیروها توافق و مصالحه ایجاد کند و از درگیری پرهیز می‌کند. ویژگی دوم این است که اعتدال‌گراها یا میانه‌روها به تغییر ابعاد نامطلوب جامعه اعتقاد دارند، دوست دارند این ابعاد را تغییر دهند اما الگوشان اصلاح‌طلبی و نه انقلابی است. به همین دلیل است که اعتدال‌گرایی و اصلاح‌طلبی با هم همپوشانی دارند. ویژگی سوم این است که اعتدال‌گراها دنبال تغییرات هستند ولی میزان و سرعت تغییرات برایشان آنقدر نباید باشد که نهادهای اصلی جامعه مثل خانواده، یا نهاد بازار و معیشت متزلزل و به هم بریزند یا مثلاً نهادهای بومی حکومت لرزان شوند.

این محقق و پژوهشگر حوزه جامعه‌شناسی ادامه داد: ویژگی چهارم این است که اعتدال‌گراها در مورد موضوعات مختلف و در عرصه‌های مختلف که دنبال همان مصالحه و توافق اند این توافق را بیشتر از طریق وفاق اجتماعی میان خردمندان و کارشناسان دنبال می‌کنند. اصلاً به طور کلی مشی سیاسی اعتدالی این است که از طریق اجماع دنبال قانون و سیاست‌گذاری هستند. ویژگی پنجم این است که اعتدال‌گراها در برابر کسانی که حرفشان را قبول ندارند دنبال مدارا هستند و دنبال حذف و نابودی رقیبشان نیستند. این 5 ویژگی‌ای است که برای اعتدال‌گرایی بر می‌شمارند که بیشتر حکایت از یک مشی سیاسی می‌کند. یعنی طرف ممکن است در عرصه سیاسی مثلاً طرفدار اقتصاد بازار محور یا طرفدار اقتصاد برنامه‌محور باشد ولی آدم اعتدالی این است که در هر کدام از اینها اعتدال‌گرا است.

جلائی پور تصریح کرد: یعنی میانه‌روی را پیش می‌گیرد. یعنی مشی‌اش میانه‌روانه و اعتدالی است. لذا اعتدال‌گرایی یک گفتمان سیاسی مثل سوسیالیسم یا لیبرالیسم یا ناسیونالیسم نیست. یک نکته دیگری هم که در اعتدال‌گرایی به عنوان یک مشی سیاسی مهم است این است که اعتدال‌گرایی واقعاً در برابر افراط‌گرایی قرار می‌گیرد. اعتدال‌گرایی نقطه مقابل افراط‌گرایی است. یعنی اگر در جامعه‌شناسی سیاسی اصلاح‌طلبی در برابر انقلابی‌گری قرار می‌گیرد در اندیشه سیاسی اعتدال‌گرایی در برابر افراط‌گرایی است. آنوقت مشی سیاسی افراطی هم یک مشی‌ای است که ویژگی‌های خودش را دارد. یعنی افراد، گروه، دولت افراطی دولت یا گروهی است که وقتی دست به اجرای سیاستی می‌زند کاری به پیامدهای ناخوشایند آن برای مردم ندارد. یعنی به نفس آن عملی که در نظر گرفته فکر می‌کنند و آن را پیاده می‌کنند صرف نظر از اینکه برای مردم مشکل ایجاد شود یا نشود.

وی افزود: ویژگی دیگر افراط‌گرایی این است که برای رسیدن به هدفشان تقریباً به هر وسیله‌ای متوسل می‌شوند آنوقت در این انتخاب وسایل برای رسیدن به اهداف، رعایت چارچوب‌های اخلاقی و قانونی برایشان مهم نیست. افراط‌گراها اگر بتوانند در عرصه سیاسی کسانی که مخالفشان هستند را نابود و محو می‌کنند مگر اینکه نتوانند. به همین علت افراط‌گراها آدمها یا گروه‌های بی‌مدارا و بی‌مبالات هستند. لذا مشی سیاسی اعتدال یا اعتدال‌گرایی در عرصه سیاسی، بیشتر در برابر افراط‌گرایی قرار می‌گیرد. یکی از دلایلی که اعتدال‌گرایی در ماه‌های اخیر در دولت آقای روحانی گل‌کرده همین است. یعنی جامعه 8 سال از افراط‌گرایی در عرصه سیاسی خسته شده بود. لذا یک زمینه سیاسی اجتماعی مناسبی پیدا شد که مردم به اعتدال‌گرایی روی بیاورند.

جلائی پور در مورد اینکه نسبت اعتدال‌گرایی با اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی چیست و تا چقدر اینها با هم همپوشانی دارند هم گفت: مشی سیاسی اعتدالی از یک طرفی همپوشانی با مشی اصلاح‌طلبی دارد و از طرفی هم همپوشانی‌هایی با بعضی از انواع اصولگرایی یا اصطلاح دقیقتر همان محافظه‌کاری دارد. اصلاح‌طلبی واژه‌ای است که به طور کلی در علوم اجتماعی به دوران نوگرایی مربوط می‌شود. به آن دوره‌ای که بشر بیشتر علاقمند شد از عقل و علمش استفاده بکند و با استفاده از علم و عقلش اوضاع نامطلوب جامعه را

تغییر دهد. در برابرش انقلابیون قرار می‌گیرند. انقلابیون هم اتفاقاً از عقلشان استفاده می‌کنند. آنها دنبال تغییرات ابعاد نامطلوب جامعه‌اشان هستند اما با روش‌های انقلابی. یعنی می‌خواهند نابرابرها، فاصله طبقاتی و اینها را سریع و زیاد و حتی ناگهان زیر و رو کنند. در حالیکه اصلاح طلب‌ها دنبال تغییرات تدریجی تا آنجا که می‌فهمند و تا آنجا که ابعادش را می‌شود بررسی کرد هستند.

وی افزود: از این نظر اصلاح طلبی و اعتدال‌گرایی کاملاً همپوشانی دارند. برای همین اگر کتابهای فنی جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی سیاسی را مورد مطالعه قرار دهید و به دنبال بررسی اصلاح طلبی و اعتدال‌گرایی بگردید در منابع بیشتر اصلاح طلبی می‌بینید و اعتدال‌گرایی نمی‌بینید. اعتدال‌گرایی به تجربه بشر در عرصه سیاست بر می‌گردد. لذا از لحاظ تبار اصلاح طلبی و اعتدال‌گرایی مقداری با همدیگر تفاوت دارند. وگرنه اصلاح طلبی و اعتدال‌گرایی را خیلی‌ها در ادبیات اجتماعی با همدیگر یکی می‌گیرند. زیرا اصلاح طلبان هم دنبال تغییرات تدریجی هستند؛ تغییراتی که بشر بتواند پیش‌بینی کند. لذا اصلاح طلبان معتقد به هر تغییر با هر روشی نیستند یعنی قانون مدارند. ادعایشان این است که باید اخلاقی و مسالمت‌آمیز عمل کرد. اینجا حوزه همپوشانی اعتدال‌گرایی و اصلاح طلبی است. اعتدال‌گرایی یک همپوشانی هم با محافظه‌کاری ای که در ایران اصول‌گرایی گفته می‌شود دارد. محافظه‌کاری در متون علوم اجتماعی سه نوع است. اعتدال‌گرایی با یک نوع آن که اعتدال‌گرایی روشن‌اندیش باشد همپوشانی دارد.

این استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران بیان داشت: یک نوع محافظه‌کاری این است که افراد یا گروه‌هایی هستند که به طور کلی نسبت به تغییرات دنیای جدید بدبین هستند. یعنی نسبت به علم و تکنولوژی جدید، شهرهای بزرگ، بوروکراسی‌های بزرگ و برخی مؤلفه‌های جامعه جدید بدبین هستند. زیرا می‌گویند این مؤلفه‌های جدید ممکن است دین و خانواده و نظم سیاسی ما را بر هم بزنند. لذا حتی الامکان مشوق تغییرات جدید نیستند. لذا محافظه‌کاران سنتی بیشتر دنبال این هستند که خودشان و خانواده و اطرافیانشان را از این دنیای در معرض تغییرات دگرگون‌کننده حفظ کنند. بیش از این کار دیگری نمی‌کنند. یعنی بیش از این، تقلاهای اجتماعی و سیاسی نمی‌کنند. این محافظه‌کاری اصلاً در عرصه سیاسی منفعل است و زیاد درگیر سیاست نمی‌شود.

این محقق و پژوهشگر حوزه جامعه‌شناسی تصریح کرد: محافظه‌کاری دیگری هم داریم که نسبت به تغییرات مؤلفه‌های جدید اولاً خیلی بدبین هستند اصلاً می‌گویند دموکراسی چیست؟ رأی مردم چیست؟ رأی یک آدم شراب‌خور با یک آدم زاهد مگر یکی است؟ اصلاً این چه بساطی است که در دنیای جدید پهن شده به نام علم و پیشرفت و تکنولوژی؟ لذا مخالف تغییرات هستند و می‌گویند چیزهای خوب یک چیزهای دیگری است. چیزهای خوب بازگشت به خلافت اسلامی و امپراطوری عثمانی است. لذا این محافظه‌کاران را محافظه‌کاران بازگشتی می‌گویند. یعنی یک چیزی در گذشته برای اینها عصر طلایی است و دوران موجود یک دوران کفر آمیز است و دوره جدید را دوره باطلی می‌دانند و معتقدند باید در راه محو این دنیای جدید و بازگشت به آن دنیایی که آنها می‌گویند کار و جهاد کرد.

جلایی پور عنوان کرد: یکی از نمونه‌های بارز محافظه‌کاران بازگشتی همین طالبان است. طالبان تصور و قرائتی از اسلام کرده و می‌گوید جامعه فعلی یک جامعه کفرآمیز است و باید به آن جامعه که ما می‌گوییم برگردیم و اگر کسی مقاومت بکند می‌شود او را کشت و خونش حلال است. لذا محافظه‌کاری بازگشتی فوق‌العاده خشونت طلب و افراطی است و از خون و خونریزی هم نمی‌هراسد. القاعده یک نمونه دیگر محافظه‌کاری بازگشتی است. یعنی می‌گوید برگردیم به خلافت عثمانی. بعد می‌گویند چرا آدم می‌کشید این بمبی که منفجر می‌کنید مسلمانان و اهل سنت را می‌کشد می‌گویند اشکال ندارد و در راه آن هدفی که داریم این کشته‌ها اشکالی ندارند. لذا محافظه‌گرایی بازگشتی اصلاً با اعتدال‌گرایی همپوشانی ندارد. محافظه‌کاری بازگشتی عین افراط‌گری است و درست در برابر اعتدال‌گرایی قرار می‌گیرد.

وی افزود: یک نوع دیگر محافظه‌کاری، محافظه‌کاری روشن‌اندیش است. یعنی افراد و گروه‌هایی که به ارزش‌ها و محافظه‌کاری پایبند هستند. یعنی نهاد خانواده و مذهب و دولت برایشان مهم است. به این دلیل به آنها روشن‌اندیش می‌گویند که معتقد هستند در برابر تغییرات دنیای جدید کاری نمی‌شود کرد. با علم و تکنولوژی و حاکمیت مردم و دموکراسی که نمی‌شود جنگید. باید در برابر مؤلفه‌های جدید انعطاف نشان دهیم و اگر انعطاف نشان ندهیم کل جامعه با بحران‌های ساختاری و انقلابی، شورش و بی‌ثباتی سیاسی روبرو می‌شود. لذا به اینها محافظه‌کاران عاقل و میانه‌رو و روشن‌اندیش می‌گویند. زیرا در برابر تغییرات مقاومت نمی‌کنند.

این استاد دانشگاه تهران ادامه داد: محافظه‌کاری روشن‌اندیش بسیار با اعتدال‌گرایی همپوشانی دارد. اعتدال‌گرایی یک مشی‌عقلایی میانه‌روانه است به پیامدهای عملی و تغییرات توجه دارد. لذا آن دسته از محافظه‌کاران روشن‌اندیش با اعتدال‌گرایی همپوشانی دارند.

این استاد جامعه‌شناسی گفت: لذا می‌شود گفت که اعتدال‌گرایی یک مشی‌سیاسی است که در برابر افراط‌گرایی قرار می‌گیرد. یک مشی‌سیاسی است که با اصلاح طلبی همپوشانی دارد و در برابر محافظه‌کاری بازگشتی قرار می‌گیرد و با محافظه‌کاری روشن‌اندیشانه یا عقلایی همپوشانی دارد. اتفاقی که در ایران افتاد همین بود و در عرصه سیاسی ایران نماد اصلاح طلبی آقای خاتمی شد و

محافظه کاری روشن اندیش نمادش آقای ناطق شد و آقای رفسنجانی نمادی بین آقای خاتمی و ناطق را به خود گرفت و اینها حامی آقای روحانی شدند. آنوقت آقای روحانی چیزی که در برنامه هایش اعلام کرده همین مشی اعتدال گرایی بود. یعنی به مردم وعده داد که اگر رئیس جمهور شدم با اجماع کارشناسان و اهل فن کار می کنم. حکمرانی من حکمرانی خودم و رفیق هایم و دوست های دوران دبیرستانم نیست این حکمرانی باید همه مردم ایران را پوشش دهد و دربرگیرنده باشد. لذا حرفهایی که آقای روحانی در تبلیغات خودش زد و بعد از آن هم تا کنون ادامه یافته، حکایتگر یک مصداق و مشی سیاسی اعتدال است.

جلایی پور بیان داشت: به نظر می رسد کشور بعد از یک دوره 8 ساله افراطی گری با یک دولتی روبرو شده که مشی سیاسی اعتدالی را در دستور کار خود قرار داد. لذا از پایگاه اجتماعی خوبی هم همراه شده است. یعنی از پایگاه اجتماعی محافظه کاران روشن اندیش و عقلایی و میانه روانه و از پایگاه اصلاح طلبان هم برخوردار شده است. اتفاقاً با این ارزیابی می توانید آینده را هم یک مقداری پیش بینی کنید. به میزانی که آقای روحانی و دولتش بتوانند افراط گرایی را مهار کنند می توانند به برنامه هایی که به مردم قول داده اند جامه عمل بپوشانند و خودشان را در معرض قضاوت افکار عمومی قرار دهند.

وی در مورد چشم انداز اعتدال گرایی هم گفت: چشم انداز اعتدال گرایی این است اگر اعتدال گراها به فرصت ها و چالش های خود توجه کند و از اینها غافل نشوند می توانند موفق بشوند. آنوقت با موفقیت بیشتر دوره دوم را هم به راحتی از مردم رأی می گیرند. چالش اعتدال گرایی همین افراط گرایی است. اگر سایت های تندرو خودمان را بخوانید می بینید اینها دو کار می کنند. یکی اینکه دولت روحانی را از این عقبه ای که حمایتش کرده جدا کنند. یعنی یک شکافی بین اصلاح طلبان و محافظه کاران روشن اندیش و دولت روحانی ایجاد کنند و از آن طرف برای اینکه 8 سال افراط گرایی، کشور را در مخمصه انداخته است دیگر نهادهای اصلی قدرت در ایران ظاهراً دیگر اجازه رانت خواری به اینها را نمی دهند. اما اگر افراط گرایان بتوانند، دوست دارند که دولت روحانی نتواند به مردم سرویس دهد و خدمت کند. آنوقت پس از یکسال شاهد موج نارضایتی مردم شویم و بعد دوباره اینها بتوانند افراط گرای دیگری مثل احمدی نژاد را علم کنند و او به فقرا قول بدهد که معجزه کند.

این استاد جامعه شناسی دانشگاه تهران تصریح کرد: این نکته دومی است که دولت آقای روحانی نسبت به افراط گرایی فوق العاده باید حساس باشد. یعنی اگر بخواهد در برابر اشتلوم های افراط گرایی ها عقب نشینی کند به برنامه دولت خودش صدمه می زند.

جلایی پور بیان داشت: لذا چشم انداز اعتدال گرایی بسته به میزانی است که دولت روحانی بتواند افراط گرایی را مهار و کنترل کند و به افراط گراها تن ندهد. یعنی از صدای بلند اینها نباید ترسید زیرا در این 8 ساله اینها تعدادشان خیلی کم است اما سرو صدا و رسانه هاشون خیلی بالاست. از سر و صدای اینها نباید ترسید اینها اگر گلی می توانستند به سر این کشور بزنند در این 8 سال زده بودند و ایران را در مخمصه نمی انداختند. در دوره ای که ایران می بایست بزرگترین خیز اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را در دنیا بر می داشت این فرصت را از ایران گرفتند. حالا 8 سال دولت آقای روحانی باید بدود تا فقط مشکل تحریمها را مهار و حل کند.

وی افزود: مسئله دوم هم که فرصت آقای روحانی است عقبه ای است که به او رأی داده اند و به او امید بسته اند. حدود 18 میلیون نفر به او رأی دادند. از اینها نباید غفلت کند. یعنی این رأی ها سرمایه اش است. افراط گراها در ایران پایگاه اجتماعی ندارند. البته قدرت سیاسی دارند که بخش پنهان سیاست در ایران است. آقای روحانی نباید قدرت اجتماعی خودش را تضعیف کند. لذا اگر در عرصه سیاسی، نیروها و عقبه اجتماعی و سرمایه سیاسی و اجتماعی خود را رها کند اصلاً پیش نخواهد رفت و به سرنوشت آخر احمدی نژاد دچار می شود. آقای روحانی باید سرمایه های اجتماعی و سیاسی خود را حفظ کند و سرمایه هایی که ایشان را به ریاست جمهوری رساندند را فراموش نکند.

این استاد دانشگاه تهران در پایان یادآور شد: دولت روحانی باید عقبه خود را نگاه کند که به چه کسانی تکیه دارند هر چقدر از این عقبه فاصله بگیرند خودشان را تضعیف می کنند. آنوقت در چشم انداز شاید نتوانند به وعده هایی که داده اند عمل کنند.